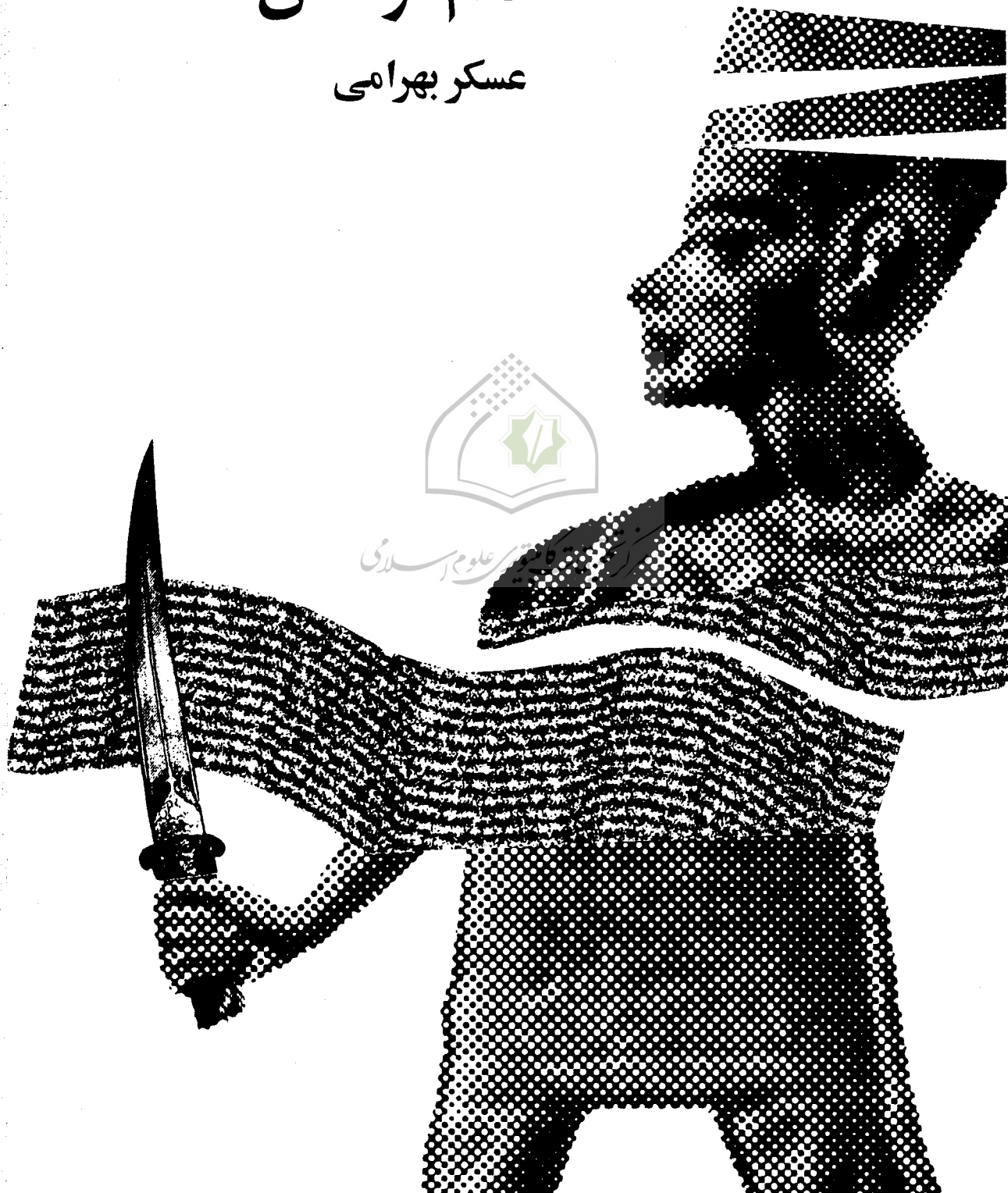


نام کوشان

عسکر بهرامی



کوشانیان تقریباً در دو سدهٔ نخست میلادی، در باکتريا (بلخ) و بخش‌های گسترده‌ای از آسیای میانه، و همچنین شرق سند، حکومتی مقتدر داشتند. این حکومت را گروهی از بیابانگردان ترکستان بنیاد نهادند که چینی‌ها ایشان را یوئه‌چی می‌نامیدند. آنان در پی فشارهای هیونگ‌نو (هون)ها ناچار به نواحی غربی کوچیدند و سپس با نام کوشانیان، در باکتريا به قدرت رسیدند. کوشانیان که بخش مهمی از جادهٔ ابریشم را نیز در اختیار داشتند، به زودی قدرت سیاسی بزرگی شدند. پادشاهان این سلسله با پذیرش آیین بودا و تشکیل فرقهٔ مه‌ایانه، در گسترش این آیین به سرزمین‌های دیگر، سهم بسزایی داشتند. از سوی دیگر، آیین بودا نیز بر فرهنگ و هنر آنان تاثیر بسیار گذاشت و سبب درخشش و ماندگاری آن شد.

نخستین پادشاهان ساسانی، اقتدار کوشانیان را درهم شکستند و بخش‌هایی از سرزمین آنان را تصرف کردند. با این حال، پادشاهان دیگری از تبار کوشانیان تا مدت‌ها هم‌چنان بر درهٔ سند فرمان می‌راندند.

به سبب اندک بودن مدارک و نوشته‌های تاریخ درباره کوشانیان، پاره‌ای ویژگی‌های آنان - علی‌رغم پژوهش‌ها و بحث‌های بسیار - همچنان در حاله‌ای از ابهام است. بحث درباره املا و تلفظ درست نام این قوم / سلسله / کشور مورد علاقه صاحب‌نظران بسیاری بوده است. نوشتار حاضر به آرای آنان در این زمینه و نیز نتایج به دست آمده، می‌پردازد.

نام «کوشان» در زبان‌های مختلف، با تفاوت‌هایی گاه جزئی ثبت شده و در حقیقت، قرائت اصلی و درست این نام همواره برای پژوهشگران معما بوده است. در کتیبه‌های هندی کهن به خط خروشتی^(۱) این نام به صورت *Gushana* و *Khushana* آمده است: صورت نخست را در کتیبه سنگی منیکیله^(۲) متعلق به سال هجدهم تاریخ آرس (معروف به تاریخ ویکرمه) برابر با ۳۹ پ.م و در کتیبه سنگی پنجر^(۳) متعلق به سال یکصد و بیست و دوم تاریخ آرس، برابر

۱. خط خروشتی، در دوره زمامداری نخستین شاهان کوشانی، به طور گسترده در بخش‌هایی از قلمرو آنان به کار می‌رفت که در غرب پاکستان و افغانستان امروز جای دارد. این خط که آشوکا پادشاه هند نیز در برخی کتیبه‌هایش آن را به کار برد، تا سده چهارم میلادی در آسیای میانه رایج بود. خط خروشتی از راست به چپ نوشته می‌شد و امکان ثبت مصرت‌های بلند را نداشت.

- Kumat, B.; *The Early of Kusanas*, Sterling Publisher, New Delhi, 1973, p.8.f.n.1.

۲. Manikyala. دهکده‌ای کوچک در ناحیه راولپندی در غرب پاکستان امروز.

۳. Panjtar. منطقه‌ای در دره سند و مرز نواحی پیشاور و هزاره پاکستان.

با ۶۵ پ.م و صورت دوم را در طومار سیمین تکسیلا^(۱) از سال یکصد و سی و ششم تاریخ آژس، برابر با ۷۹ میلادی می توان دید. این نام را در نوشته های خروشتی روی سکه های کوجولا کد فیسس (نخستین پادشاه این سلسله)، به صورت Kushâna خوانده اند و در کتیبه های خروشتی آسیای میانه نیز به همین صورت و همچنین به شکل Khurshana ذکر شده است. این در حالی است که در نوشته های یونانی روی سکه های پادشاهان این سلسله، این نام به صورت^(۲) KOPANO و دیگر جاها با املاهایی چون KOPΣANO و XOPAN آمده است.^(۳)

با این همه در کتیبه براهمی یافت شده در مت، نزدیک مٔوره^(۴)، این نام در عبارتی به وضوح چنین آمده است: Kusâna(m)-putr(o). صورت مشابهی از این املا به خط وزبان پهلوی بر روی سکه های هرمز دوم و دیگر شاهان ساسانی یافت می شود، با این تفاوت که در

مرکز تحقیقات کشور علوم اسلامی

۱. این کتیبه که بر لوحی سیمین نگاشته شده است، در ویرانه های استوپهٔ دهر مراجیکا (Dharmarajika) در تکسیلا (Taxila) یافت شد که تقریباً در ۳۵ کیلومتری شمال غرب راولپندی (غرب پاکستان امروز) واقع است.

- Kumar; *Ibids*, p.8.f.n.4.

۲. نشانهٔ خطی P در یونانی نشانگر آوای s است.

۳. همهٔ سکه های نخستین شاهان کوشانی، نوشته هایی به خط یونانی دارند. بر روی برخی از آنها نوشته هایی به خط خروشتی هم دیده می شود.

- Kumar; *Ibid*, p.9.f.11.

۴. منطقه ای در پاکستان امروز.

این حالت‌ها مصوت دوم نام، در خط نشان داده شده است و قرائتشان چنین است: Kušân šâh šâhân, wuzurg kūsân.^(۱)

بارون ا. فن اشتال هلشتاین، واژه KoPano را Kušânu یا Kushânu می‌خواند و این‌گونه تفسیر می‌کند که -ânu شناسه حالت اضافی جمع در «زبان دوم ناشناخته‌ی ترکستان شرقی» است. وی همچنین نوشته‌های روی سکه‌های کوجولا کدفیسس را (=kushânu) Kushana یا Kushanam و همین نام را در کتیبه منیکله به صورت Kushana (= Kushânu) می‌خواند، و سرانجام عبارت کتیبه مت را بدین صورت قرائت می‌کند: Kushânam putr(o). وی جزء پایانی -anam یا -ânam را شناسه صرفی حالت اضافی جمع پراکریت^(۲) می‌گیرد.

از این رو بر پایه نظر فن اشتال هلشتاین، واژه‌های KOĀNO یا Kushânu و Kushanam یا Kushânam و نیز Kushânam ستاکشان Kusha است که «از آن کوشه‌ها» معنا می‌دهد. بدین ترتیب او معتقد است که هیچ نژاد یا مردمی به نام «کوشانه» وجود نداشته است.^(۳) زبانی که واژه KOĀNO (با قرائت Košano یا Koshano) بدان

1. Mukerjee, B.N.; *The Kushana Genealogy*, Calcutta, 1967, p.3.

۲. هر یک از زبان‌های رایج در هند باستان که برخلاف سنسکریت، عوام از آنها استفاده می‌کردند.

- Guralnik, David B. (ed. in chief) *Webster's New World Dictionary of the English Language*, New York, Simon & Schuster, 1984.

3. Mukerjee; *Ibid*, p. 3.

نوشته شده است، به نظر می‌رسد همانی باشد که کتیبه سرخ‌کتل^(۱) منسوب به سال سی و یک آژس، برابر با ۱۵۸ میلادی با آن نوشته شده است؛^(۲) و. ب. هنینگ آن را از زبان‌های ایرانی میانه می‌داند و باکتریایی نام می‌نهد. وی توضیح می‌دهد که در این خط عموماً به صامت پایانی واژه امیکرون^(۳) افزوده می‌شود، مگر وقتی که صامت پایانی مختوم به u است که با امیکرون (Pxo=Shâu) به نمایش در می‌آید و این‌که در اغلب موارد، امیکرون پایانی عملاً "نقش واژه جدا کن را ایفا می‌کند. از این رو ستاک واژه Koshano، واژه Koshan است و حالت اضافی ندارد.^(۴)

همچنان که ج. ف. فلیت نشان می‌دهد، عبارت Kushana-Putr(o) به طور قطع ثابت می‌کند که دست‌کم برای نویسنده کتیبه براهمی مت، واژه Kushana ستاک است و نه صورتی صرف شده. به همین بیان، عبارت Khushanasa Yausa در

مراجعات کامپیوتر علوم اسلامی

۱. نام بنایی نیمه‌دژ و نیمه‌معبد بر فراز یکی از نخستین کوه‌های کم‌ارتفاع هندوکش در افغانستان. کتیبه را شلومبرژه در اوایل دهه پنجاه میلادی یافت.

- ارباب شیرانی، سعید [و] هوشنگ اعلم (مترجمان): افغانستان (مجموعه مقالات)؛

تهران، بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۹۵.

۲. بارشاطر، احسان (گردآورنده): تاریخ ایرانیان از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان (جلد سوم، قسمت اول)؛ پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ج ۲،

۱۳۷۳، ص ۳۲۷.

۳. ۵۰ کوچک، پانزدهمین حرف الفبای یونانی.

نوشته‌های خروشتی برخی سکه‌های کوجولاکدفیسس، واژه Khushanasa را به عنوان حالت اضافی مفرد Khushana نشان می‌دهد، و عبارت Devaputrasa Khushanasa aragadakshinae Maharajasa^(۱) در کتیبه خروشتی تکسیلا قطعاً دلالت بر این دارد که Khushana ستاک Khushanasa است. هم‌چنان که فلیت اشاره کرده است، قرائت Maharayasa Gushanasa rajami که در کتیبه خروشتی پنجتر آمده است، وادارمان می‌کند Ghushanasa را حالت اضافی مفرد Gushana بینگاریم. و از آنجا که Khushana, Khushana و نیز Gushana را به لحاظ زبان‌شناختی، می‌توان همان Kushana دانست، پس می‌توان گفت که صورت اخیر یا یکی از گونه‌های آن دست‌کم برای برخی ساکنان شبه‌قاره هند، به عنوان ستاک به کار می‌رفت.^(۲)

رساله چینی هئوهان‌شیو (Heou Han-chu) یا تاریخ سلسله هان

۱. گفتنی است که هر چند منابع موجود، قرائت‌های مختلفی از این عبارت به دست می‌دهند، با این همه از آنجا که واژه مورد بحث، یعنی Khushanasa در همه آنها به یک صورت آمده است، بنابراین اختلاف قرائت‌ها تأثیری بر نتیجه این بحث ندارد. کومار با استناد به چند منبع از جمله

Corpus Inscriptionum Indicarum (Vol. II, pt. I). Kharoshthi Inscriptions; ed. Sten Konow, (London, 1929)

و نیز Guide to Taxila (Sir John Marshall, Delhi, 1918) آن را چنین خوانده است:

Maharajasa Rajatirajasa Devaputrasa Khushanasa arogadachhinae Kumar;

Ibid, p. 4.

جدید، به الحاق شن تو (Shen-tu) که ناحیه‌ای در هند است، به دست «شاه کویی شوآنگ» (Kuei-shuang) اشاره دارد.^(۱) این اصطلاح که گاه آن را Kwei-Shwang, Koei-Chuang, Koei-Shuang یا Kwe-Shwang نیز آورده‌اند،^(۲) در واقع در چین کهن به صورت Kiwed-siâng و در چین باستان به صورت Kjwei-siâng تلفظ می‌شد. صورت Kushâna یا یکی از گونه‌های یاد شده، شباهت آوایی نزدیکی با این تلفظ‌ها دارد. واژه Kushâna به نظر می‌رسد در منابع هندی و برای نامیدن حکومتی به کار می‌رفت که نامی مشابه این داشت و بخشی از ناحیه هند را متصرف شده بود. این ملاحظات، عقیده برابر دانستن Kushâna با Kuei-shuang را تأیید می‌کنند و هئوهان‌شو نیز به‌طور کلی چیزی از این بابت نشان نمی‌دهد که Kuei-shuang ستاک کوتاه‌تری داشته است.

این مطالب با بحث پیشگفته فن اشتال هلشتاین به شدت در تضاد است و دیدگاه فلیت و نیز ج. آلان را تأیید می‌کند که می‌گویند Kushana ستاک است و نه صورتی صرف شده.^(۳)

با این همه دیدگاه اخیر نیز باید تصحیح شود. ترجمه چینی کتاب ابسی درمه هـاویباشا شـاسـتره (mahāvibhāṣhā-śāstra) (Abhidharma)^(۴) که آن را بوداورمن (Budhavarman) و دائودای

1. *Ibid*, p. 4.

2. Kumar; *Ibid*, p. 1.

3. Mukerjee; *Ibid*, pp. 4-5.

۴. پس از درگذشت بودا، کسانی درباره آیین وی تردید کردند یا به مخالفت با آن برخاستند. بزرگان رهرو او در دوره‌های بعد شوراهایی برای حفظ آیین و روش وی تشکیل دادند که به

(Tao-tai) میان سال‌های ۴۳۷ و ۴۳۹ میلادی فراهم آوردند، طی عبارتی به شاه جوشا (Chü-sha) اشاره می‌کند، ولی عبارت مشابه در ترجمه‌های هسوان تسانگ از همین متن به جوشانا (Ch'ü-sha-na) اشاره دارد و این، گواهی برای یکی دانستن Chü-cha با Chü-sha-na است، گو این‌که دو نام، در دو متن، با نشانه‌های چینی متفاوتی نوشته شده است. س. لوی شرح می‌دهد که اولی نشان‌دهنده صورت اصلی Gusha است و دومی بر Kushana دلالت دارد و چون همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، Gushana را می‌توان همان Kushâna دانست، بنابراین ما دشوار بتوانیم به ایده وجود رابطه‌ای ریشه‌شناختی میان نام اخیر و Gusha که احتمالاً در زبان پراکرت به صورت Kusha نوشته می‌شد، کمک کنیم.^(۱)

در همین زمینه باید افزود که در *داجونگ یین لون جینگ* (Ta chuang-yenlun ching) ترجمه‌ای چینی که گوماره جیوه در اوایل سده پنجم میلادی فراهم آورد، جیانی جا (Chiani-cha)، که همان کانشکای اول است، از نژاد جوشا (Chü-sha) دانسته می‌شود. از

چهار شورای کهن معروف‌اند. چهارمین شورا به دستور کانشکا تشکیل شد که پانصد رهرو در آن شرکت کردند و تفسیرهایی از تری پیتکه (Tripitaka) یا سه سبد فراهم آوردند که صد هزار قطعه‌ای درمه و بیباشستره در تفسیر سبد ابی درمه، از آن جمله‌اند. مهاویاشا که ترجمه چینی آن امروز در دست است، نشان‌دهنده نوع تفسیرهایی است که در این شورا نوشته شده است. پاشایی، ع: تاریخ آیین بودا (ج ۱: هینه‌بانه)؛ [تهران]، ابتکار، ۱۳۶۹: صص ۱۴۷-۱۳۹ شده است.

سوی دیگر عبارت باکتریایی Shaonano shao Kaneshki Koshana بر روی سکه‌های کانیشکای اول، او را با نام Koshano مربوط می‌سازد که این واژه ستاک Koshan است. واژه Chü-sha از قرار معلوم، در چینی باستان به صورت کیوسه (Kiu-sa) تلفظ می‌شد. صورت اخیر شاید اشاره به نام بیگانه Kusha داشته است.

به هر حال Kusha بخشی از نام Kushana را تشکیل می‌دهد. به قیاس استفاده از امیکرن برای اوپسیلن در خط یونانی به کار رفته برای نگارش باکتریایی، Kusha را در زبان باکتریایی می‌شد به صورت Kosho نشان داد. خود Kosha را نیز می‌توان در واژه Koshan یافت که این آخری، در زبان ایرانی میانه مورد بحث - یعنی باکتریایی - دیده می‌شود. از این رو می‌توان اطمینان داشت که رابطه‌ای ریشه‌شناختی میان اشکال Kosha و Koshan و نیز میان Kusha و Kushâna وجود دارد.^(۱)

دلایل ارتباط میان اشکال یاد شده از این نام را می‌توان حدس زد. زبان‌های ایرانی باستان، شناسه اضافی جمع ânâm- و نیز پسوند صفت‌ساز âna- را داشتند. هر دو این صورت‌ها در زبان‌های ایرانی میانه تبدیل به ân- می‌شوند، از این رو Koshân را می‌توان بازمانده حالت اضافی از ستاک Kosha و به معنای «از آن گوشه‌ها» دانست و یا این که ân- را می‌توان پسوند صفت‌ساز گرفت که معنای یای نسبت - یعنی «متعلق به» یا «از آن» - می‌دهد و به چیزی یا کسی دلالت

1. *Ibid.* pp. 5-6.

می‌کند که منسوب یا متعلق به نام کوشه (Kosha) باشد.^(۱)
 نمونه‌ای از کاربرد حالت اضافی را می‌توان در عبارت پهلوی
 شاهان ساسانی یافت که به صورت *kušan šâhân sâh* آمده است.^(۲)
 همچنانکه *Kosha* را می‌توان با *Kusha* یکی دانست، *koshân* را
 هم می‌شود همان *Kushân* گرفت که صورت باقاعده هندی آن
Kushânâ خواهد بود. *Kushâna* به صورت *Kushana* هم ممکن
 است نشان داده شود.^(۳)

از این رو پایه واژه *Kushâna* واژه *Kusha* است، و اگر *ânâ*- را
 پسوند صفت‌ساز به حساب آوریم، پس می‌توان گفت که *kuahâna* یا
kushâna خود از ستاکی تشکیل شده است. ولی در حقیقت صورت
Koshano یا *Kushâno* در نوشته ایرانی میانه (باکتریایی)، یعنی در
Shaonano Shao Kaneshki Koshano که آن را *shâonânô shâo*
Kaneshki Koshânô می‌توان خواند، *Koshan* یا *Koshân* (و به
 همین ترتیب *Kushana* یا *Kushâna*) را به عنوان ستاک نشان
 می‌دهد.^(۴) بنابراین صورت‌های اخیر را می‌توان به عنوان نام واقعی و
 تلفظ صحیح‌تر این نام پذیرفت، زیرا چنانکه پیشتر نیز اشاره شد،
 صرف نظر از تفاوت‌های جزئی در آواها، صورت کوشان با تلفظ‌های
 چینی آن در ادوار مختلف نیز هماهنگی بیشتری دارد.

اما درباره معنای واژه *Kusha* نیز به همین سان مباحث بسیاری
 مطرح شده است، زیرا این واژه با صورت‌های گوناگونی که بدانها

1. *Ibid*, p. 6.

2. Kumar; *Ibid*, p.1.

3. Mukerjee, *Ibid*, P.6.

4. Mukerjee; *Ibid*, p.6.

اشاره شد، در کتیبه‌ها و منابع تاریخی دست‌کم در چهار مورد به کار رفته است:

۱. نام یک امیرنشین یا قلمرو شاهی
 ۲. نام یک طایفه یا قبیله
 ۳. نام یک سلسله
 ۴. نام شخص یا نام فرمانروایان سلسله.^(۱)
- سالنامه‌های چینی سلسله هان^(۲) یعنی تسین‌هان‌شو (Tsien-Han-chau) و هئوهان‌شو این نام را به صورت Kjiwi-tsi و برای نامیدن کشوری به کار برده‌اند که آن را با تاهیا یا باکتريا و برخی نیز با کوچا^(۳) می‌امروزین یکی دانسته‌اند. صورت چینی یاد شده تلفظی بومی از نام مورد بحث است.
- بر پایه سالنامه تسین‌هان‌شو مرکز این امیرنشین، هوتسائو (Hu-tsau) بود که زیر فرمان هئی‌هو (Hei-hou: رئیس قبیله یا امیر) قرار داشت و به دایوئه‌چی (Ta Yuechi) وابسته بود. هئوهان‌شو تقسیم باکتريا به پنج امیرنشین را شرح می‌دهد که یکی از آنها کویی شوانگ (یا همان کوشان) بود. همین منبع می‌افزاید: «در حدود یکصد سال پس از آن، کیئو تسیئوکیو (Kieou-tsieou-kio: کوچولا کدفیسس) شاهزاده کویی شوانگ، به چهار امیرنشین دیگر حمله کرد، آنها را به زیر فرمان خود درآورد و خود، شاه (wang)

1. Kumar; *Ibid*, p.2.

۲. سلسله‌ای که از ۲۰۶ پ.م تا ۲۲۰ میلادی بر چین حکومت کرد.

3. *Ibid*; p. 6.

سلسله‌ای شد که کویی شوانگ نام گرفت. وی به سرزمین آسی (A-si: پارت) تاخت؛ بر قلمرو کائوفو (Kao-fu: کابل) استیلا یافت؛ پوتا (po-ta) و کیپین (Kipin) را ویران کرد و فرمانروای مطلق این سرزمین‌ها شد... و پسرش ...، تین‌شو (Tien-chu: هند) را فتح کرد. همه کشورهای اینان را به نام [شاهشان] شاه کویی شوانگ، به همین عنوان می‌شناسند؛ ولی هان^(۱) آنها را با همان نام قدیمشان دایوئه چی می‌نامد.^(۲)

از آنجا که دایوئه چی به صراحت منابع چینی، نام قبیله بوده و متن بالا نیز از کویی شوانگ با ضمیر «اینان» یعنی به عنوان اجتماعی از مردم یا به تعبیر بهتر، قبیله یاد کرده است، بنابراین با تأکید همین متن، مردمان دیگر کشورها این گروه را به عنوان قبیله کویی شوانگ یا همان کوشان می‌شناختند.

از سوی دیگر کوجولا کد فیسن او برخی جانشینانش از جمله کانیشکا (Kaniska)، هوویشکا (Huviska) و اسودوه (Vāsudeva)، بر روی سکه‌هایشان عنوان KOPANO (به خط و زبان یونانی و با تلفظ کوشانو) را برای خود می‌آوردند و زین سبب سلسله ایشان، کوشان نامیده شد.^(۳)

۱. منظور چین دوره هان است.

2. *Heou Han chou* (History Later Han Dynasty); Chap. 118, tr. Spechet.

3. Kumar; *Ibid*, p. 2.

نتیجه گیری

از مجموع بحث های ذکر شده درباره صورت درست نام کوشان و کاربرد آن می توان نتایج زیر را به دست آورد:

۱. نام درست این سلسله، کوشان (kushân) یا کوشانه (Kusâna) است و نه (Kusi یا Kusâ, Kuisâ).

۲. نام کوشان، نخست و پس از مهاجرت یوئه چی ها به آسیای میانه و هنگام استقرار در باکتريا، برای نامیدن حکومت یا در واقع، امارت کوچک یوئه چی ها به کار می رفت و در همان زمان، حکومت های دیگر- به جز چین - قبيله آنان را نیز با نام کوشان می شناختند. پس از استیلای کوجولاکد فیسس بر تمام باکتريا این نام برای نامیدن شاهنشاهی وی و نیز قلمرو وسیعش به کار رفت. و سرانجام آنکه همین نام برای سلسله وی و نیز لقب شخصی فرمانروایان این سلسله به کار گرفته شد.